



هشت پرسش در مورد کابینه دوم خاتمی و دیدگاه‌های سه صاحب نظر

## طه هاشمی:

# در مورد ماهیت اصلاحات خاتمی، خیلی‌ها غلط برداشت کردند

عمده موفقیت آقای خاتمی در دوم خرداد ناظر به همین جهت گیری بود که ایشان نسبت به این اصول در مواضع خودش داشت، یعنی رنگ و صبغه موضع گیری‌هایی آقای خاتمی در مسایل فرهنگی و سیاسی، احترام به حقوق ملت، تقویت این روحیه بود که به هر حال مردم باید جایگاه اصلی خودشان را در نظام اسلامی بازیابند.

این‌ها را می‌توانیم نکات ممتاز بحث‌ها و صحبت‌ها یا گفتمان خاتمی نام گذاری کنیم که در دوم خرداد برجسته بود. شاید در کابینه اول، به دلیل اینکه این مفاهیم در بخش‌های مختلف تابخواهد مستقر شود و در برخی جاهای خود را تحمیل بکند ممکن بود کابینه اول به گونه‌ای طراحی بشود که استقرار این مفاهیم در بخش‌های مختلف هدف گیری بشود و در عین حالی که این یک ضرورت و حقیقت اجتناب ناپذیر است که هر کس که در رأس دولت قرار می‌گیرد باید به یک سری مسایل که مبتلا به زندگی خصوصی مردم است نیز بپردازد؛ مانند مسأله مسکن، شغل و مسایل معیشتی مردم و... اما روی کردی که مردم در دوم خرداد به آقای خاتمی، داشتند ناظر به یک سری امور ساختاری بود که در گذشته کمتر به آن بهاداده شده بود.

اما در کابینه دوم، در واقع به دلیل استقرار و رسوب تفکر اصلاحات، پرچم داری آقای خاتمی، در واقع تأثیر عمیقی در همه حوزه‌ها گذاشت و آنکه امروز ممکن است [عده‌ای] در ارزیابی جنبش اصلاحی بگویند: [اصلاحات] موفق نبود. البته آنها از زاویه خاصی، عدم موفقیت را ارزیابی می‌کنند و تصورشان این بود که با این مباحثی که آقای خاتمی مطرح می‌کند، آمده است که اصلاً نظام را براندازد. یعنی آقای خاتمی به طور کلی نظام اسلامی را کنار

کنونی آقای خاتمی قرار دارد، چیست؟  
۵- میزان بحران آفرینی مخالفان را در دور دوم ریاست جمهوری آقای خاتمی چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا در این دوره نیز، همچنانکه آقای خاتمی مدتی پیش بیان کرد، دولت هر نه روز یک بار با بحرانی تازه مواجه می‌شود؟

۶- برخی افراد و محافل معتقدند گروهی از مردم که طرفدار آقای خاتمی و برنامه‌های ایشان بوده‌اند، مأیوس شده‌اند. این نظریه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۷- در این دوره، آقای خاتمی همچنان توسعه سیاسی- فرهنگی را مقدم خواهد شمرد یا به توسعه اقتصادی بهای بیشتری خواهد داد؟ و یا به هر دو توجهی یکسان مبذول می‌کند؟

۸- آینده روابط قوه مجریه (دولت) با قوه قضاییه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

### پاسخ‌های آقای طه هاشمی

آقای دکتر طه هاشمی، مدیرمسئول روزنامه انتخاب، نماینده پیشین مجلس و از روحانیونی است که گفته می‌شود گرچه به راست متمایل بوده، اما به شدت معتقد به تجدید نظر در بسیاری از دیدگاه‌های سنتی است. آقای دکتر طه هاشمی می‌گوید:

ویژگی کابینه جدید، عملگر بودن آن است. در نقطه‌ای از تاریخ انقلاب، بعد از دوم خرداد به دلیل آنکه مفاهیم جدید وارد ادبیات سیاسی ما شد و رویکردی که شعارها و برنامه‌های آقای خاتمی به سمت احیای ظرفیت‌های مسکوت و خاموش مانده قانون اساسی، یعنی حقوق ملت رفت و این اصولی بود که به دلایل متعددی در گذشته به صورت بارز و فراگیر به آن‌ها پرداخته نشده بود و شاید بخش

پس از معرفی کابینه جدید از سوی آقای خاتمی و پس از آنکه تمامی وزرای پیشنهادی از مجلس شورای اسلامی رأی اعتماد گرفتند، هشت سؤال را با عده‌ای از فعالان سیاسی، چهره‌های فرهنگی و تحلیل گرانی که وابسته به گرایش‌های سیاسی متفاوت و دارای دیدگاه‌های متفاوتی هستند، در میان گذاشتیم. در این میان، عده‌ای از پاسخ‌دادن خودداری کردند (آقایان حسین شریعتمداری، اسدالله بادامچیان، دکتر مهاجرانی، مهندس باهنر و...) و عده‌ای یاد مسافرت بودند و یا مانند ما نتوانستیم به آنها دسترسی یابیم (آقایان عباس عبدی، دکتر الهه کولایی، کاظم جلالی و...)

هشت پرسش گزارش را در زیر نقل می‌کنیم و پس از آن، پاسخ‌های چند شخصیت را به نظر خوانندگان گرامی می‌رسانیم. گفتنی است که پاسخ‌دهندگان محترم یا توالی پاسخ به پرسش‌ها را رعایت نکرده‌اند، یا پاسخ چند پرسش را یکجا و در یک مبحث داده‌اند و یا از پاسخ دادن به برخی پرسش‌ها بازیرکی طفره رفته‌اند. پرسش‌های گزارش از این قرار بود:

۱- آقای خاتمی مستقیماً و بر اساس باور و برداشت خود به انتخاب نهایی اعضای کابینه رسید و یا تحت تأثیر عوامل دیگری هم قرار داشت؟

۲- کابینه یک دست است یا برخی اعضای آن از تمایلات و منافع گروه‌های خاصی حمایت می‌کنند؟ (در صورت مثبت بودن پاسخ، مصادیقی را ذکر بفرمایید.)

۳- توان کابینه را در حل مشکلات الف: اقتصادی، ب: اجتماعی، ج: سیاست داخلی و سیاست خارجی و د: تعارضات فرهنگی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۴- مهم‌ترین چالش‌هایی که فراروی دولت

بگذارد و نظامی لایبیک را جایگزین کند. البته این تصور غلطی بود و یک مقدار حق داشتند برای اینکه آنها برنامه‌های آقای خاتمی را عمیقاً درک نکرده بودند، چون این به دلیل نوع نگرش آقای خاتمی نسبت به اسلامش بود. چون آقای خاتمی مفاهیم جدیدی را مطرح کرد، مثل این که مادر روایات داریم وقتی حضرت حجت (عج) ظهور می‌کند، اسلامی را که تبیین می‌کنند که خیلی‌ها فکر می‌کنند ایشان دارد دین جدیدی را مطرح می‌کند، یعنی آن اسلامی که در گذشته خیلی‌ها به خورد مردم می‌دادند، کاملاً متفاوت است، با آنچه حضرت می‌دهند. حالا بلا تشبیه می‌خواهم بگویم که آن مفاهیمی که آقای خاتمی در ادبیات سیاسی ما مطرح کرد، یک تفاوت ماهوی و جدی با گذشته داشت و خیلی‌ها فکر می‌کردند این حرکت یک حرکت انقلاب‌گونه است.

ایشان [در آنها] به هر دلیلی، بحران آفرینی بود، همکاری نبود - یا تشبیه در میان همکاران خود آقای خاتمی بود، فرقی ندارد - خاتمه دهد.

به همان اندازه که از بیرون رقیب می‌تواند مانع کسی بشود، از درون هم ممکن است ناهماهنگی‌ها و یا ناهمسانی‌های به وجود آید که آدم نتواند موفق باشد. آقای خاتمی با یک آسیب‌شناسی که به نظر من از موانع و مشکلات داخلی جنبش اصلاحات داشت، به این جمع‌بندی رسید که این کابینه را ارایه کند. لذا فکر می‌کنم ترکیبی که ایشان طراحی کرده، ترکیبی است که برپایه یک آسیب‌شناسی از چهار سال گذشته و موانع کار و نیازهایی که باید بدان بردارد [تشکیل شده است]، یعنی آقای خاتمی می‌داند بعد از چهار سال دیگر، باید در یک جمع‌بندی کلان هشت ساله، کارآمدی دولت دینی

دوست دارند - این نعمتی است که خدا به او داده - به هر حال، من برداشتم این است که آقای خاتمی آن طور که خیلی‌ها می‌خواستند القا کنند که هیچ اراده‌ای برای تعیین کابینه ندارد، این چنین نبود. چون آقای خاتمی کسی است که ۲۲ میلیون رأی داشت و چندان هم جناح‌ها و احزاب سیاسی نقشی در این رأی نداشتند، [البته] نقش داشتند، ولی نقش تعیین‌کننده‌ای که آقای خاتمی خود را به نوعی و امدار بداند، نداشتند.

به نظر من، محدودیت‌ها و محرومیت‌هایی که آقای خاتمی در کابینه اولش داشت، قطعاً در این کابینه ندارد و شاید بتوانم بگویم که برآیند تفکر آقای خاتمی الآن در کابینه‌اش جمع است.

آقای خاتمی را شما در قالب یک تفکر خاص سیاسی نبینید. نمی‌خواهم بگویم تفکر تند سیاسی، ولی یک جریان چپ تعریف شده نمی‌تواند بگوید که آقای خاتمی آن است، نه آقای خاتمی یک شخصیت است که حقیقتاً برپایه عقل خودش و خرد خودش حرکت می‌کند. ایشان امتحانش را در طول وزارت ارشاد داد، در چهار سال اول هم علی‌رغم همه مشکلاتی که برای ایشان ایجاد شد، نشان داد که آدم متعادلی است.

من معتقدم آقای خاتمی بالاخره در جمع‌بندی [برای انتخاب وزرا] به این نتیجه رسیده بود که در چهار سال آینده باید اقداماتی که نشده، چه در حوزه مسایل اقتصادی، چه فرهنگی، چه سیاسی، انجام بدهد که در پایان دوره هشت ساله ریاست جمهوری آقای خاتمی نظامی کارآمد را به دنیا معرفی کرده باشد؛ یک دولت دینی کارآمد خوب.

در مورد اولویت‌های دولت دوم آقای خاتمی باید بگویم قطعاً بر هیچ کس پوشیده نیست که اولویت با مسایل اقتصادی است. آقای خاتمی در چهار سال گذشته مفاهیمی را که مورد نظرش بود، طرح کرده بخش‌های عمده‌اش را تثبیت کرده، حتی بالاتر، رقبایش را تحت تأثیر آن قرار داده است. این نکته خیلی بارزی است. شما امروز در بخش‌هایی که در دست رقبای آقای خاتمی است، دقیق شوید و وضع را با چهار سال قبل مقایسه کنید و ببینید چقدر تغییر پیدا کرده و چقدر پذیرفته‌اند. [حالا] وقتی بحث مردم سالاری دینی مطرح می‌شود (البته من کاری به لایه‌های تند و افراطی ندارم) [این‌ها] دارند به یک نتیجه واحد می‌رسند و خود به خود دارد هم‌گرایی پیش می‌آید.

درست است که آقای خاتمی در چهار سال اول

## به نظر من، آقای خاتمی در [پیروزی] اخیر [انتخابات ۱۸ خرداد] و امدار هیچکس نیست، چون اگر مورد حمایت هم قرار نمی‌گرفت، تا ۱۳ میلیون رأی می‌آورد

در حالی که چنین نبود و [آقای خاتمی] می‌خواست آن ظرفیت‌هایی را که قانون اساسی این نظام دارد و به حق، حکومت دینی مدرن و نظام مردم سالار دینی می‌تواند مدعی اداره امور باشد، محقق بشود. اما بسیاری از کسانی که فهیم و اندیشمند بودند، حسابشان این بود که آقای خاتمی هدف اصلی‌اش این است که چهره حقیقی یک دولت برخاسته از نظام مردم سالار دینی را عرضه کند. اما ما می‌گوییم که چهار سال برای ارایه و معرفی مبانی و دیدگاه‌های این نظریه، طولانی است و باید در چهار سال دوم، کارآمدی این نظام خودش را نشان دهد.

در مورد کابینه جدید، باید بگویم من فکر می‌کنم آقای خاتمی با این پیشینه و با اعتقاد به این قضیه، کابینه‌ای طراحی کرده است. این کابینه از افراد موجود جامعه باید طراحی شود. آقای خاتمی محور انتخاب کابینه‌اش را عمل‌گرایی گذاشته است، یعنی حقیقتی است که آدم وقتی به وزران‌گاه می‌کند، احساسش این است که آقای خاتمی می‌خواهد کابینه، کابینه کار باشد. کابینه‌ای باشد که به هر حال به بخش‌هایی که در دوره اول ریاست جمهوری

را به منصفه ظهور و بروز رسانده باشد. حال ممکن است گفته شود که فلان فرد یا مهربان برای فلان کار ضعف‌هایی دارد. او قطعاً ضعف‌ها را می‌شناخته. چون آقای خاتمی بیش از ده سال در نظام جزو مدیران کلان کشور و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بود و چهار سال هم در بحرانی‌ترین زمان‌هایی که ما از نظر مسایل اجتماعی داریم، رئیس‌جمهور بود. در مورد استقلال عمل آقای خاتمی برای انتخاب کابینه، باید بگویم: گروه‌های سیاسی ممکن است تعارف بکنند [که ما از کابینه‌سهم نمی‌خواهیم] اما قطعاً پشت پرده اصرار دارند که سهم داشته باشند اما مهم این است که اگر رئیس‌جمهوری خودش را مدیون و امدار گروه‌های سیاسی بداند، این احتمال هست که به نوعی تحت تأثیر قرار بگیرد که نتواند شاخصه‌های مورد نظر خودش و معیارهای دولت را در مورد کابینه اعمال بکند. ولی به نظر من اگر در ۱۸ خرداد، جبهه دوم خرداد سکوت هم می‌کرد، آقای خاتمی ۱۳ یا ۱۴ میلیون رأی می‌آوردند. مابه‌دلیل این که آقای خاتمی صداقتی به مردم نشان داده که مردم او را

با مشکلاتی مواجه بود اما نتایجی هم داشت، بنابراین آقای خاتمی همانطور که در صحبت‌هایش گفته است الان جهت‌گیری‌اش برای یک سری اصلاحات اساسی در زمینه مسایل اقتصادی و قاعده‌مند کردن بخش‌هایی در حوزه فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی است.

امروز اولویت نخست مان پرداختن به مسایل اقتصادی است. در مورد سیاست خارجی هم آقای خاتمی در چهار سال گذشته چهره جمهوری اسلامی را در خارج درست معرفی کرد و رغبت دنیا را برای ارتباط با ایران به وجود آورد. البته این کار از قبل شروع شده بود، ولی حقیقتاً با این فشارهایی که آمریکا و اسراییل تحمیل کرده بودند که نمی‌شد با جمهوری اسلامی مذاکره کرد. ایران کشوری منزوی است. بعد از دوم خرداد، دنیا بهانه‌ای پیدا کرده که نگرشی به گذشته خودش داشته باشد و تصحیحی در این گذشته بکند. سیاست تنش‌زدایی چه در حوزه کشورهای همسایه آسیای غربی، خاورمیانه آفریقایی و حتی غرب موفق بود.

#### آینده روابط قوه مجریه و قضاییه

در مورد مهم‌ترین چالش‌های فراروی کابینه خود و میزان بحران آفرینی مخالفان، آقای طه هاشمی می‌گوید:

قطعاً بحران‌ها فروکش خواهد کرد، به دلیل اینکه در جامعه ما بعد از ۱۸ خرداد، رأی آقای خاتمی علامتی بود برای همه کسانی که در حوزه سیاسی این کشور می‌خواهند حیات داشته باشند. چون نهاد‌های سیاسی و گروه‌ها می‌خواهند حیات داشته باشند که از مردم رأی بگیرند. اگر به این نتیجه رسیده باشند (که گروه‌های رقیب آقای خاتمی به آن رسیده‌اند). این است که مردم خودشان را با آن مفاهیمی که آقای خاتمی در حوزه حکومت دینی مطرح می‌کند، همسان‌تر و سازگارتر می‌بینند و هر جریان سیاسی که بخواهد در نقطه مقابل این تفکر بایستد، رأی مردم را نخواهد داشت و در نظامی هم که همه چیزش موقوف به رأی مردم است، این‌ها باید شاهد مرگ خودشان باشند.

از سوی دیگر، دیدید که در چهار سال گذشته با همه بحران‌هایی که بود، باید مردم عقب‌نشینی می‌کردند، اما رأی ۲۰ میلیونی آقای خاتمی شد ۲۲ میلیون. ممکن است کل آراء به خاطر حرکت‌های تند و تیز و ناامیدی مردم پایین آمده باشد، چون مردم احساس کردند که در این دعوا هرکس به فکر

خودش است و به فکر مردم نیست. وقتی این [چنین] شد، مردم ممکن است از کلیت نظام ناامید شوند و رأی ۳۰ میلیونی شان کمتر شود. پس [وقتی] رأی آقای خاتمی از ۲۰ میلیون می‌رسد ۲۲ میلیون، یعنی مردم حرکت آقای خاتمی را پسندیده‌اند و هرکس بخواهد خلاف این حرکت را بکند، قطعاً در میان مردم جایی نخواهد داشت. این حداقل خردمندی در میان گروه‌های سیاسی باید باشد و هست که لایه‌های افراطی را که بحران‌آفرین بودند، طرد کنند و پالایشی درون نهادی میان احزاب و جناح‌ها به وجود بیاید تا کسانی که دنبال حرکت‌های افراطی هستند به حاشیه رانده شوند. وقتی این طور شد به طور طبیعی، بحران‌ها فروکش خواهد کرد. آن موقع، زمینه مناسب برای فعالیت‌های جدی و فراگیر دولت فراهم خواهد شد.

بالاخره صلاحیت‌ها را هم شورای نگهبان تأیید نکرد. مگر مجلس ششم اکثریتش همگام با جنبش اصلاحات نیست؟! پس شرایط به گونه‌ای است که هیچ مجموعه‌ای نمی‌تواند مقاومت کند. ممکن است چندسال مقاومت کند ولی اگر اصلاح نکند [مقاومتش بی‌فایده است] چون اصلاحات که یک تاکتیک سیاسی نیست، یک واقعیت پذیرفته شده است و یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است [و لذا] باید در همه قوه‌ها و همه نهادها، در همه گروه‌ها باشد و این یعنی که شیوه‌های قدیم اشتباه بوده است. باید هر شیوه‌ای که اشتباه بوده است، درست شود. تعریف دین هم همین است؛ دین مجموعه ثابتی است که از درون متغیر است. آن ثبات دین به نیازهای ثابت بشر متکی است. عدالت همیشه مورد نیاز بشر و ثابت بوده است. مفاهیم آن در گذشته،

## گروه‌های مخالف خاتمی متوجه شده‌اند حیات سیاسی آنها بستگی به این دارد که با آن افکار و شعارهایی که سبب شد مردم به خاتمی رأی بدهند، مخالفت نکنند و بحران به وجود نیاورند

در مورد آینده روابط قوه مجریه و قوه قضاییه، آقای طه هاشمی می‌گوید:

تحلیلی که ارائه کردم [در مورد عقل‌گرایی گروه‌های مخالف آقای خاتمی]، فرقی ندارد... گروه هم همین‌طور است، نهاد هم همین‌طور است، یعنی هر مجموعه‌ای در دل حاکمیت، اگر عملکردش به گونه‌ای باشد که مردم آن را نپذیرند، نمی‌تواند به حیات خودش ادامه دهد. باید در ساختار خودش، در ادبیات، عملکرد و برنامه‌های خودش تغییر بدهد. این حقیقتی است که به هر حال به جامعه ما تحمیل شده است. بخواهی نخواهی این فضا باز شده، بنابراین حال شما، چه گروه سیاسی باشد، چه هر یک از قوه‌های حکومت و یا جاهای دیگر، امروز [مردم] یک سری مطالباتی دارند که شفاف و روشن است. هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که این مطالبات را قبول یا به آن توجه ندارم. از طرف دیگر، هر یک از نهاد‌های حاکمیت هم وابسته به مردم است، چه مستقیم و غیرمستقیم. شورای نگهبان، همان شورای نگهبانی است که مجالس سوم، چهارم و پنجم از آن بیرون آمد و مجلس ششم نیز همین‌طور.

حال و آینده ثابت است. این هم بر پایه نیازهاست. یک سری نیازهای نوشونده وجود دارد که این شیوه‌ها، مدل‌سازی، روش‌ها، و سیستم‌سازی همه آنها متکی بر آن است و می‌تواند تغییر بکند. من معتقدم که به طور طبیعی این همگرایی [از طرف قوه قضاییه] پیش می‌آید، [البته] ممکن است قوه‌های مجریه و مقننه هم مقداری [در روش‌های خود] تعدیل کنند.

اصلاحات، موجودیت خودش را بر مجموعه نظام ما تحمیل کرد [و لذا] چه کسی بخواهد، چه کسی نخواهد، عاقلانه این است که همه نهاد‌های حاکمیت دست به دست هم بدهند و برنامه‌ها را پیش ببرند. حال قوه قضاییه هست یا قوه‌های دیگر، باید برنامه‌هایش را منطبق کند و گرنه به انفعال خواهد رسید که این خیلی بد است، چون در انفعال دیگر نظریات خود را نمی‌توان لحاظ کرد و متأسفانه برخی‌ها خواب هستند، یعنی به خواب خرگوشی رفته‌اند و روزی خواهد رسید که از این خواب بیدار می‌شوند و این قضیه بر آنها تحمیل می‌شود و اراده‌ای نخواهد داشت.